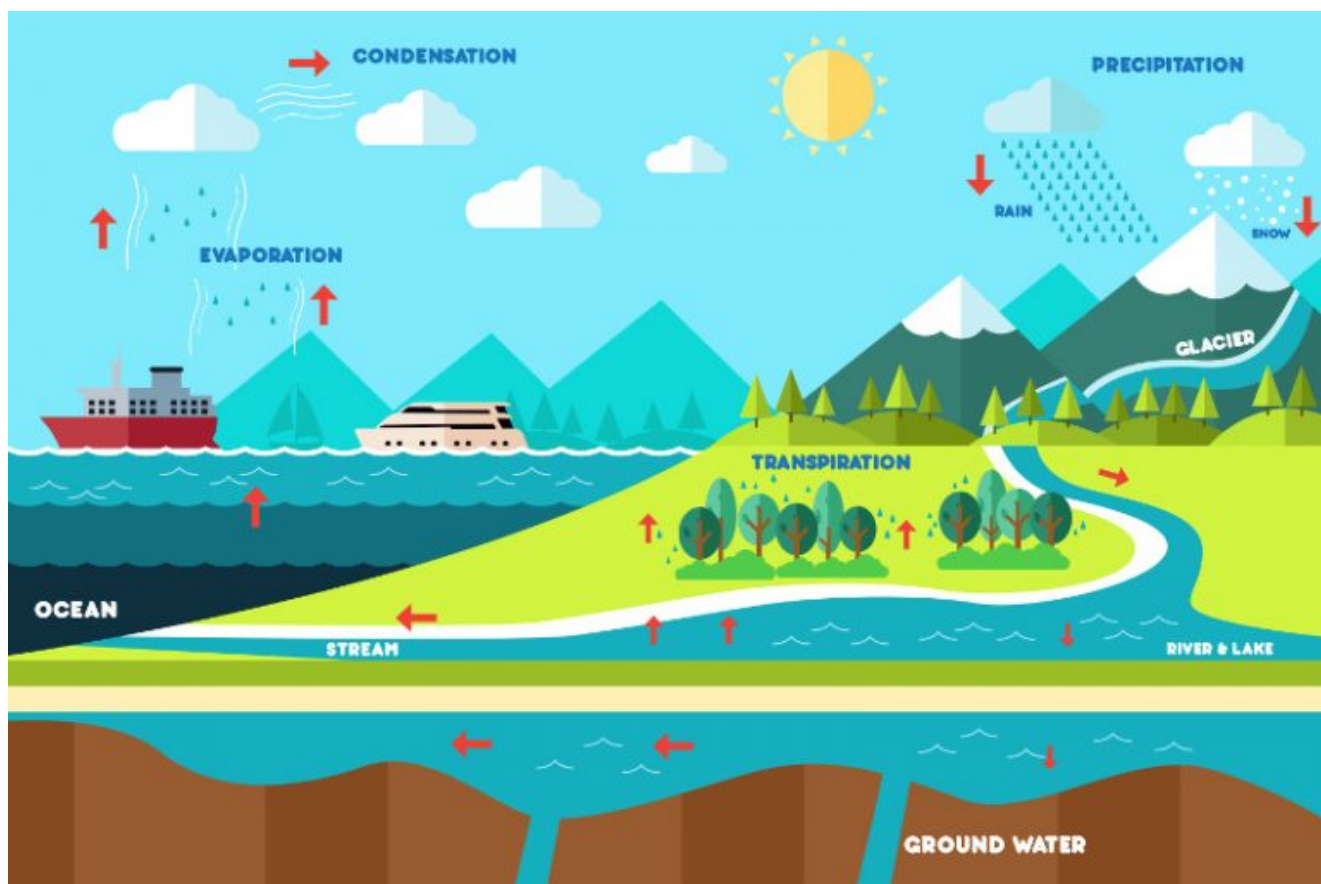




احتیاج در جمیع موجودات و حوادث

[پیش از این](#) ثابت شد که تمامی مخلوقات حادث و مرکبند، لذا لازم است ایجاد کننده ای ، مؤلفی و مفسدی داشته باشند و قطعاً خودشان نمیتوانند مکون و مفسد خود باشند، زیرا قبل از ایجاد نبوده اند و بعد از ایجاد هم نمیتوانند در نفس خود تغییری ایجاد کنند. و در میابیم که نفس شیئی قادر به تغییر خود نیست و مغیر باید غیر خود آن چیز باشد. این مساله را واضح تر از هر جایی در خودمان میتوانیم ببینیم چنانکه از تغییر صفات و حالات خود عاجزیم و بود و نبودمان در دست ما نیست.

همچنین کواکب و اجسام آسمانی هم در وجود و حرکت و غیره محتاج خالق و محرکند، چنانچه به عیان میبینیم محرك هر چیزی غیر خود او است حال این محرك یا روح و طبع او است که عارضی بوده و مفارقت خواهد کرد یا صاحب اراده دیگری است.

پس معلوم شد که ایجاد کننده و مؤلف و محرك و مفسد غیر از ماده است و هیچ نیست جز فعل فاعل و قبول قابل.

حال که به ایجاد کننده ها و مؤلفین و محرك ها نگاه میکنیم در میابیم که برای جمیع حوادث این عالم اسباب و آلات متعددی بکار گرفته میشود که برخی فوق دیگری است و متحرك بحرکت دیگری و مقترن بغیر و متصف بصفتی و از اجزاء متعدد فراهم شده اند.

مانند زراعتی که به رودخانه نیاز دارد، رودخانه از آب برف و باران ایجاد شده و آن از ابر فرو میریزد، ابر از تبخیر دریاها و آن نیز به وسیله خورشید انجام میشود الی آخر... و چیزی که در تمام این اسباب مشترک است احتیاجی است که به ما فوق و غیر خود دارند.